

# سعدی و غزل سرایی

فرزانه قوجلو

**Sa'di in Love**

**Homa Katouzian**

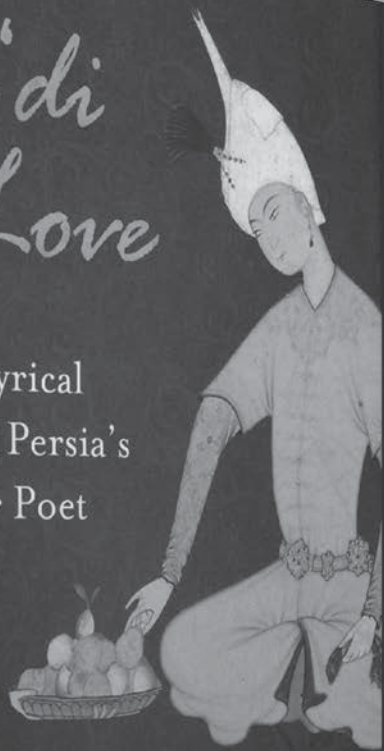
Published in ۲۰۱۶ by J.B.Tauris & Co. Ltd

London, New York

In association with the Roshan Cultural Institute

# Sa'di in Love

The Lyrical  
Verses of Persia's  
Master Poet



HOMA  
KATOUZIAN

I.B. TAURIS

کتاب عشق‌های سعدی که توسط انتشارات جی.بی. تارپس و با حمایت مؤسسه فرهنگی روشن در ۲۰۰ صفحه و به دوزبان فارسی و انگلیسی در لندن با چاپی بسیار نفیس روانه‌ی بازار نشر شده است، گامی است ستودنی که دکتر همایون کاتوزیان برای شناساندن سعدی غزلسرا برداشته است. اما بی‌گمان مینیاتورهای بسیار هنرمندانه و اصیل دکتر محبوبه قدس که عضو دانشگاه کلمبیاست زیبایی این کتاب را دو چندان کرده و به غزلیات طراوتی خاص بخشیده است. گفتنی است که نشر مرکز نیز این کتاب را در ایران منتشر کرده، افسوس بدون مینیاتورها. ظاهراً بازار خراب کتاب در ایران دست و پای ناشران را می‌بندد اما امیدواریم زمانی برسد که

**دکتر کاتوزیان با ترجمه این غزلیات (۷۸ غزل) کوشیده یکی از برجسته‌ترین شاعران کلاسیک ایران را به دوستداران شعر فارسی در زبان انگلیسی بشناساند چرا که معتقد است غزلیات سعدی در سایه دو کتاب دیگر این استاد سخن، بوستان و گلستان، حتی برای فارسی‌زبانان نیز مغفول مانده است...**

ناشری تن به چنین خطری بدهد و این کتاب را با مینیاتورهای چشم‌نوازش در اختیار مخاطبان و عاشقان سعدی در ایران قرار دهد.

دکتر کاتوزیان با ترجمه این غزلیات (۷۸ غزل) کوشیده

یکی از برجسته‌ترین شاعران کلاسیک ایران را به دوستداران شعر فارسی در زبان انگلیسی بشناساند چرا که معتقد است غزلیات سعدی در سایه دو کتاب دیگر این استاد سخن، بوستان و گلستان، حتی برای فارسی‌زبانان نیز مغفول مانده است در حالی که این غزلیات شاهکارهایی در شعر غنایی‌اند.

مقدمه‌ای که دکتر همایون کاتوزیان بر این کتاب نوشته موجز و روان است و شناختی کامل از سعدی غزلسرا به مخاطب غیرفارسی‌زبان می‌دهد که بسیار قابل تأمل است. افزون بر این، نویسنده در همین مقدمه نگاهی اجمالی دارد به شعر فارسی در سده‌های مختلف و سیر تطور معنای عشق در شعر غنایی فارسی به طور عام و در غزل به طور خاص. می‌خوانیم که چطور مفاهیم عشق، عاشق و معشوق به شیوه‌های مختلف در دوره‌های زمانی،

از سده‌های دهم و یازدهم تا قرن سیزدهم که شعر سعدی در آن به شکوفایی رسید، تحولات فراوانی را از سر گذرانده است. می‌خوانیم که به ندرت می‌توان کسی را یافت که مدعی شود اشعار غنایی رودکی سمرقندی یا فرخی سیستانی و یا منوچهری دامغانی که در قرون دهم و یازدهم شکوفا شدند، متضمن نگرش و رویکردی صوفیانه بوده‌اند. در واقع از قرن دوازدهم به بعد است که مفاهیم عرفانی و به خصوص صوفیانه در آثار شاعران بزرگی چون سنایی و عطار رخ می‌نمایند و در قرن سیزدهم در اشعار مولانا، عراقی، اوحدی مراغه‌ای و شبستری به اوج می‌رسند. اما دکتر کاتوزیان درباره‌ی غزلیات سعدی یادآور می‌شود که وقتی نوبت به اشعار عاشقانه‌ی این شاعر بی‌نظیر می‌رسد موضوع به این سادگی نیست. بیشتر غزلیات سعدی به وضوح به معشوقی انسانی نظر دارند، معشوقی زنده و از گوشت و خون. و شاعر و عاشق در لذت عشق زمینی غوطه‌ور می‌شوند.

نویسنده با طرح دسته‌بندی‌هایی که رشید یاسمی، دکتر سعید حمیدیان، اودارد براون و نیکلسون از غزلیات سعدی تحت مفاهیم «آشکارا دنیوی»، «آشکارا صوفیانه» و یا «نیمه صوفیانه و نیمه دنیوی» ارائه می‌کنند، خاطر نشان می‌سازد که از دیدگاه او دسته‌بندی محمدعلی فروغی با مثال‌هایی که می‌آورد از همه به حقیقت نزدیک‌تر است. فروغی نیز معتقد است که غزلیات سعدی بیشتر به عشق زمینی و انسانی نظر دارند تا عشق غیرخاکی و یا عرفانی. و مابقی اشعار را نیز دارای «حال و هوایی صوفیانه» می‌داند.

دکتر کاتوزیان غزلیات سعدی را در فرم و تکنیک حقیقتاً بی‌نقص می‌بیند که از شادی عشق، لذت وصل و غم هجر سخن می‌گویند. به گفته‌ی دکتر داریوش شایگان «تنوع پایان‌ناپذیر و احوال عاشقانه که بازتابی است از تجارب انسانی چند سویه، که همانا جز سعدی نمی‌تواند بود، در ادبیات ایرانی بی‌مانند است.»<sup>۱</sup> و باز با قلم دکتر شایگان می‌خوانیم که «عشق سعدی نه در گلستان و بوستان، بلکه در غزلیات او تجلی یافته است. عشق تنها موردی است که سعدی در مواجهه با آن از جانب اعتدال و شیوه‌ی همیشگی‌اش عدول می‌کند و زمام اختیار عقل از کف می‌دهد.»<sup>۲</sup>

کاتوزیان با مثال‌های متعددی که از حافظ و مولانا، سرآمد غزلسرایان عرفانی، می‌آورد و مقایسه‌ی معنای عشق در آن‌ها با سعدی، نظرات خویش را درباره‌ی این غزلیات برای مخاطب شفاف‌تر می‌سازد.



همانطور که اشاره شد، دکتر همایون کاتوزیان ۷۸ غزل سعدی را به انگلیسی ترجمه کرده و برای آن که مخاطب را به شناختی بهتر از یکی از بزرگ‌ترین شاعران کلاسیک فارسی زبان برساند، این اشعار را به پنج بخش تقسیم کرده است:

توصیف عشق

توصیف معشوق

وصل

هجر

اشعار اخلاقی / عرفانی

و با وجود آن که در شعر کلاسیک ایران مرسوم نبوده که بر غزل عنوان گذاشته شود، کاتوزیان بر اساس درونمایه شعر برای هر یک از این غزلیات عنوانی، به انگلیسی و فارسی، برگزیده است. اما همه کمابیش می‌دانیم که ترجمه شعر یکی از دشوارترین ترجمه‌هاست و نیز بسیار شنیده‌ایم که شعر ترجمه‌ناپذیر است و بی‌تردید سخن درستی است چرا که در ترجمه شعر از یک زبان به زبانی دیگر، در بهترین حالت، یا وزن و موسیقی شعر از دست می‌رود و یا مفهوم آن. بسیار بعید است که بتوان هر دو را حفظ کرد. و این از دست رفتن صرفاً به وزن و موسیقی شعر یا مفهوم آن خلاصه نمی‌شود که استعاره‌ها، جناس‌ها و حتی صور خیال هم در این روند از دست می‌روند.

دکتر همایون کاتوزیان با وقوف کامل بر این واقعیت، گامی چنین خطیر برداشته و کوشیده تا به برگردانی هر چه نزدیک‌تر به اصل غزل‌ها برسد. حفظ ساختار غزل، ترتیب مصرع و بیت، در زبان انگلیسی - به همان گونه که در اصل فارسی آن هست - را می‌توان از جمله تلاش‌های وی برای برگردانی دقیق‌تر دانست.

و اینک یکی از غزلیات را به فارسی و انگلیسی می‌خوانیم:

۱- پنج اقلیم حضور، داریوش شایگان، نشر فرهنگ معاصر، ص ۸۸

۲- همانجا ص ۱۰۸

که من آن زمان نبودم...

همه عمر برنذارم سراز این خمار مستی  
که من آن زمان نبودم که تو در دلم نشستی  
تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد  
دگران روند و آیند و تو همچنان که هستی  
چه حکایت از فراق که نداشتم ولیکن  
تو چو روی باز کردی در ماجرا بیستی  
نظری به دوستان کن که هزار بار از آن به  
که تحیتی نویسی و هدیتی فرستی  
دل دردمند ما را که اسیر توست یارا  
به وصال مرهمی نه چو به انتظار خستی  
نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا  
تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی  
برو ای فقیه دانا به خدای بخش ما را  
تو و زهد و پارسایی من و عاشقی و مستی  
دل هوشمند باید که به دلبری سپاری  
که چو قبله‌ایت باشد به از آن که خود پرستی  
چو زمام بخت و دولت نه به دست جهد باشد  
چه کنند اگر زبونی نکنند و زیر دستی  
گله از فراق یاران و جفای روزگاران  
نه طریق توست سعدی، کم خویش گیر و رستی

## I was not yet born...

---

Stop being drunk all my life, I will not  
For I was not yet born when you entered my sight.  
Unlike the sun you do not come and go  
Others come and go you permanently glow.  
What pain I endured from our separation  
Yet your face shone and ended the damnation.  
A glance at your friends much better sits  
Than sending them greetings and gifts.  
You broke my aching heart which is your captive  
With separation, now cure it with the ointment of love.  
No wonder if you pierce the enemy's heart in battle  
Broken as you have your friends' hearts at farewell.  
Go away learned doctor, leave us to the Almighty  
Us, loving and drunkenness; you, prayer and piety.  
You must give your enlightened heart to love  
Loving a Ka'ba is better than self-love.  
Since good fortune will not be made by energy  
What then can we do but show humility?  
Complaining of separations and the inconstancy of life ,Sa'di,  
Is not to your line; take your fate and be free.